

پیشخوان

نظری به مکات و اهمیت نهج‌البلاغه از منظر رهبر شهید انقلاب اسلامی

نهج‌البلاغه شریف به مثابه «گنجینه بی‌پایان»

■ سمانه صادقی



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، شامل شش جلسه تحلیل و تبیین حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، رهبر شهیدانقلاب اسلامی از مکات و محتوای

«نهج‌البلاغه شریف» است. این مجموعه‌از سوی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر شهید تدوین شده و انتشارات انقلاب اسلامی، آن را روانه بازار کتاب کرده است. تارنمای ناشر در باب مضمون و محتوای این پژوهش، اشارت به نکات ذیل را فرونهاده است: «کتاب گنجینه‌بی‌پایان، شامل شش گفتار از بیانات حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدّظله‌العالی) است که به مسئله‌شناخت و بررسی جایگاه، اهمیت و ویژگی‌های نهج‌البلاغه می‌پردازد. در این کتاب، نقش و اهمیت این اثر بسزرگ در فرهنگ و تاریخ اسلام بررسی شده و مفاهیم آن به‌طور دقیق تحلیل می‌شود. رهبر انقلاب اسلامی در یکی از جلسات شرح نهج‌البلاغه، این کتاب را به‌عنوان آیین‌نامهانقلاب اسلامی معرفی کرده با تأکید خود بر این موضوع، نشان داده‌اند:نهج‌البلاغه چقدر برای فهم و تبیین اصول و مبانی انقلاب اسلامی ایران، از اهمیت برخوردار است. کتاب گنجینه‌بی‌پایان به‌عنوان یک منبع معارف و حکمت، می‌تواند به گسترش دانش و فرهنگ در جامعه کمک کند. این کتاب اثری است که با نگاهی نوین به نهج‌البلاغه، تلاش می‌کند مفاهیم عمیق این‌ میراث ماندگار شیعی را با نیازهای فکری، اخلاقی و اجتماعی انسان معاصر پیوند بزند. این کتاب نه تنها به‌عنوان یک اثر تفسیری، بلکه به مثابه نقشه راهی برای پاسخگویی به پرسش‌های اساسی جامعه امروز، در حوزه‌های حکمرانی، عدالت، اخلاقی و مقاومت در برابر ظلم طراحی شده است. ایشان در بخش ابتدایی کتاب به بررسی زمینه‌های تاریخی و ایدئولوژیک می‌پردازند



۱۳۸۰. دیدار با شاعران و اهالی فرهنگ‌و ادب فارسی

و تأکید می‌کنند که تجربیات تاریخی و فکری ملت‌های اسلامی به ویژه در مواجهه با استعمار، فشارهای بین‌المللی و نفوذ فرهنگ‌های خارجی، منجر به شکل‌گیری ارزش‌های مشترک و هویت ملی شده است. این تجربه تاریخی، گواهی است بر مقاومت بی‌وقفه در برابر زورگویی و تالش برای حفظ استقلال و آزادی. حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای معتقدند؛ بنیادهای فکری و دینی که در طول تاریخ اسلام پدید آمده‌اند، همچنان به‌عنوان منبع الهام‌بخش برای راهبردهای سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شوند. ایشان به نقد سیستم‌های سیاسی و اقتصادی غربی می‌پردازد و بیان می‌کنند این مدل‌ها باوجود پیشرفت‌های فنی و صنعتی، نتوانسته‌اند پاسخگویی نیازهای انسانی و اخلاقی جامعه باشند. در همین راستا، گنجینه‌بی‌پایان تلاشی است برای بازگشت به اصول و ارزش‌های اصیل که در دل تاریخ اسلام ریشه دارند. رهبر انقلاب تأکید می‌کنند امام علی(ع)، خود نماد عینی آموزه‌های نهج‌البلاغه است. آنچه می‌گفت در زندگی‌اش تجلی داشت. بنابراین مطالعه این کتاب هم‌زمان با شناخت اسلام، تاریخ زندگی امام و الگویی برای مدیریت جامعه را نیز به ار مکان می‌آورد. یکی از ویژگی‌های ممتاز کتاب، ترکیب رویکرد تاریخی با تحلیل‌های جامعه‌شناختی است. نویسنده با استناد به خطبه‌های امام علی(ع) درباره حکومت‌داری، نشان می‌دهد؛ چگونه این مفاهیم می‌توانند الگویی برای نظام‌های سیاسی امروز باشند. به‌عنوان مثال، در تحلیل خطبه شمشویه، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به نقد نظام‌های استبدادی و مادی‌گرایانه می‌پردازند و با بیان زمینه تاریخی این خطبه، یادآور می‌شوند امیرمؤمنان(ع) حکومت را برای احقاق حق و خفه کردن باطل می‌خواهد نه برای ریاست. آن هم امیری که با آن وسعت سرزمین اسلامی و ثروت در بیت‌المال، در حال وصله‌کردن کفش خود است...»



یک تجربه نگاری از مدیریت و انسجام نیروها

در بخشی از تجمعات شبانه شهر تهران

«موج بعثت مردمی» خوداتکا، پویا و پیش‌رونده

■ نوشته میرمرعشی

حالا دیگر چهار ماه می‌شود؛ ایرانیان غیور و مؤمن با حفظ سنگر خیابان و حمایت از نیروهای رزمنده، شگفتی مردم جهان را برانگیخته‌اند. حفظ این سنگر مهم، قطعاً بدون برنامه‌ریزی، سازماندهی و مدیریت امکان‌پذیر نبوده و نیست. برای تحقق این مدیریت، هم تشکلهای مردمی نقش بسیار پررنگی داشته و دارند و هم سازمان‌ها و نهادها. در واقع همکاری و هماهنگی تشکلهای مردمی از بسیج و هیئتی‌ها گرفته تا گروه‌های جهادی، یا نهادها و سازمان‌ها، صحنه عجبیبی از مدیریت را در میدان و تجمعات رقم زد که می‌توان تا سالها درباره آن کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها نوشت. نگارنده این مسطور، یکی از کوچک‌ترین اعضای نیروهای مردمی- محله‌ای در منطقه تهرانپارس شهر تهران است. آنچه در زیر قلمی شده، حاوی نکاتی است که می‌تواند بر آینده بسرای ثبت تاریخ و وقایع تجمعات شبانه مردم در ثبت رمضان به‌کار بیاید. امید آنکه علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ آتش به اختیاران متشکل

شبهای اول تجمع، همه چیز کاملاً آتش به اختیار و دلی پیش می‌رفت. سخت داغدار، شهادت رهبر عزیزمان بودیم و نمی‌توانستیم به برنامه‌ریزی بلند مدت برای اداره تجمعات فکر کنیم. اما بعد از پایان ماه رمضان و تداوم جنگ در سال جدید، به فکر برنامه‌ریزی بلندمدت برای تجمع محله افتادیم.

در تمام ایام جنگ و در ماه رمضان با کمک خانم‌های مسجد به محافظان امنیت محله سحری داده بودیم. اما حالا باید برنامه‌های منظم جهت تهیه «میان وعده» و «شام» نیروهای امنیت محله می‌ریختیم. اولین جلسات مان برای این موضوع در مسجد تشکیل شد. جلسات بعدی برای برنامه‌ریزی غرفه‌های فلکه اول بود. تا روزهای اول سال جدید (۱۴۰۵) با مختصر وسایلی که از مسجد به میدان راهبردهای سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شوند. ایشان به نقد سیستم‌های سیاسی و اقتصادی غربی می‌پردازد و بیان می‌کنند این مدل‌ها باوجود پیشرفت‌های فنی و صنعتی، نتوانسته‌اند پاسخگویی نیازهای انسانی و اخلاقی جامعه باشند. در همین راستا، گنجینه‌بی‌پایان تلاشی است برای بازگشت به اصول و ارزش‌های اصیل که در دل تاریخ اسلام ریشه دارند. رهبر انقلاب تأکید می‌کنند امام علی(ع)، خود نماد عینی آموزه‌های نهج‌البلاغه است. آنچه می‌گفت در زندگی‌اش تجلی داشت. بنابراین مطالعه این کتاب هم‌زمان با شناخت اسلام، تاریخ زندگی امام و الگویی برای مدیریت جامعه را نیز به ار مکان می‌آورد. یکی از ویژگی‌های ممتاز کتاب، ترکیب رویکرد تاریخی با تحلیل‌های جامعه‌شناختی است. نویسنده با استناد به خطبه‌های امام علی(ع) درباره حکومت‌داری، نشان می‌دهد؛ چگونه این مفاهیم می‌توانند الگویی برای نظام‌های سیاسی امروز باشند. به‌عنوان مثال، در تحلیل خطبه شمشویه، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به نقد نظام‌های استبدادی و مادی‌گرایانه می‌پردازند و با بیان زمینه تاریخی این خطبه، یادآور می‌شوند امیرمؤمنان(ع) حکومت را برای احقاق حق و خفه کردن باطل می‌خواهد نه برای ریاست. آن هم امیری که با آن وسعت سرزمین اسلامی و ثروت در بیت‌المال، در حال وصله‌کردن کفش خود است...»



از شب اول تجمعات تا امروز، همه نوع آب‌وهوایی را تجربه کرده‌ایم! از پرچم تکان دادن زیر بارش تگرگ و سرما و استخوان سوز تا هوای بهاری و بعد از آن گرمای طاق فرسای تابستانی. گاهی پرچم افزای خیلی سخت می‌شد؛ شب‌هایی که زیر باران‌های شلاقی، هم خودت خیس نشده بودی و هم پرچمت و وزنش نیز چند برابر! در آن لحظات، انگار انگیزه‌مان برای تکان دادن پرچم بیش‌تر می‌شد...

به عنایت پروردگار، توانسته است تشکلی با تعداد ۲۰۰ نفر از نمازگزاران مسجد را سازماندهی کند. همین سازماندهی در شرایط جنگ، مهم‌ترین بازوی عملیاتی تجمعات شد. به هرووی اجرای برنامه‌های فرهنگی و عقیدتی در تجمع فلکه اول، مانند همه تجمعات به بودجه نیاز داشت و ما باید در یک برنامه‌ریزی دقیق به تأمین هزینه‌ها از طرف مردم می‌پرداختیم. این هزینه‌ها، شامل موارد متعددی می‌شد. اول از همه باید هزینه دستگیری از خانواده‌های نیازمند تحت پوشش مسجد (که در ایام جنگ تعدادشان بیشتر هم شده بود)، تأمین می‌شد. در مرحله بعد تهیه هدیه برای کودکان و نوجوانان شرکت‌کنندگان در برنامه‌های غرفه‌ها در تجمع‌های شبانه به علاوه تأمین هزینه شام محافظان امنیت محله و در آخر، تأمین هزینه موکب پذیرایی از مردم با چای و قند و شربت هم بسیار مهم بود. پس چند شماره کارت در گروه‌ها و کانال‌های مسجد و محله اعلام شد که هر کدامش برای یک کار خاص تعریف شده بود. از همان هفته اول فروردین، واریزی‌ها آغاز شد. واریزی‌هایی که تا امروز، بالغ بر ۱۵۰ میلیون تومان شده است و هم‌ااش هم تا همینجا، برای هزینه‌های گوناگون تجمعات خرج شده است و این داستان همچنان ادامه دارد.

■ از سرما و باران‌های شلاقی تا گرمای سوزان
از شب اول فروردین یعنی دقیقاً از ۱۰ اسفند ۱۴۰۴ تا امروز که این خاطرات را می‌نویسم(۵ تیر ۱۴۰۵، ش)، همه جور آب‌وهوایی را در تجمعات تجربه کرده‌ایم. از پرچم تکان دادن زیر بارش تگرگ و سرمای استخوان سوز، تا هوای تابستانی و بعد از آن گرمای طاقت فرسا و دم کرده تابستانی. پرچم تکان دادن، گاهی خیلی سخت می‌شد؛ یعنی دقیقاً شب‌هایی که زیر باران‌های شلاقی و در شرایطی که هم خودت حساسی خیس شده بودی، سرما در تنت پیچیده بود و از آن بدتر، پرچمت حساسی خیس شده‌بود و وزنش چند برابر! اما درست در آن لحظات، انگار انگیزه‌مان برای تکان دادن پرچم چند برابر می‌شد و با قدرت بیشتر شعارها را تکرار می‌کردیم. شاید بتوان گفت قسمت سخت ماجراهای مسئولان تجمعات شبانه با آب‌وهوای ایام جنگ،



فلکه اول تهرانپارس، نمایی از جشن عقدزوج‌های جانفدا

حالا دیگر چهار ماه می‌شود که ایرانیان غیور با حفظ سنگر خیابان و حمایت از نیروهای رزمنده، شگفتی جهان را برانگیخته‌اند. حفظ این پایگاه مهم، قطعاً بدون برنامه‌ریزی، سازماندهی و مدیریت امکان‌پذیر نبوده است. برای تحقق این امر، هم تشکلهای مردمی نقش پررنگی داشته‌اند و هم نهادها. در واقع هماهنگی مردم با نهادها، دستاورد شگرفی را رقم زد که تا سال‌ها می‌توان درباره آن کتاب و پایان‌نامه نوشت

گره شدیم و خیابان‌هایی را که باید هر گروه، گل و پرچم‌های آماده شده را به مغازان داران می‌دادند، مشخص کردیم. آقایان تقسیم این اقلام به قسمت غربی محله را برعهده گرفتند و قرار شد، خانم‌ها مغازه‌های اطراف مسجد و بخش شرقی محله را پوشش دهند. وقتی وارد مغازه‌ها می‌شدیم و از فروشنده‌ها به خاطر خدمت‌رسانی به مردم در شرایط جنگی تشکر می‌کردیم، چشم‌هایشان برق می‌زد! شاطر نانوایی فانتزی محله، پرچم ایران را یکجوری بوسید و روی چشم‌هایش گذاشت که اشک در چشم‌هایمان جمع شد! از ۴۳مغازه‌ای که ما خانم‌ها به فروشنده‌هایشان پرچم و گل داده بودیم، فقط دو مغازه‌دار پرخورد چندان خوبی نداشتند. یک مورد گل و پرچم را نگرفت و یک مورد هم گرچه تشکر کرد، ولی گل و پرچم را سریع گذاشت زیر میز فروشش. تجربه آقایان اما خوب بود و از خوشحال شدن مغازه‌دارها و تشکرشان تعریف می‌کردند.

گره شدیم و خیابان‌هایی را که باید هر گروه، گل و پرچم‌های آماده شده را به مغازان داران می‌دادند، مشخص کردیم. آقایان تقسیم این اقلام به قسمت غربی محله را برعهده گرفتند و قرار شد، خانم‌ها مغازه‌های اطراف مسجد و بخش شرقی محله را پوشش دهند. وقتی وارد مغازه‌ها می‌شدیم و از فروشنده‌ها به خاطر خدمت‌رسانی به مردم در شرایط جنگی تشکر می‌کردیم، چشم‌هایشان برق می‌زد! شاطر نانوایی فانتزی محله، پرچم ایران را یکجوری بوسید و روی چشم‌هایش گذاشت که اشک در چشم‌هایمان جمع شد! از ۴۳مغازه‌ای که ما خانم‌ها به فروشنده‌هایشان پرچم و گل داده بودیم، فقط دو مغازه‌دار پرخورد چندان خوبی نداشتند. یک مورد گل و پرچم را نگرفت و یک مورد هم گرچه تشکر کرد، ولی گل و پرچم را سریع گذاشت زیر میز فروشش. تجربه آقایان اما خوب بود و از خوشحال شدن مغازه‌دارها و تشکرشان تعریف می‌کردند.

■ مراسم ازدواج زوج‌های جانفدا

هر چه به اول ذی‌الحجه نزدیک می‌شدیم، بدو بدوهای بچه‌های مسجید بیشتر می‌شد. اول قرار بود برای سه زوج، مراسم عقد و جشن داشته باشیم؛ دو روز مانده به روز جشن اعلام کردند، میزبان چهارزوج جانفدا خواهیم بود. سه زوج‌مان دهه هشتادی بودند و یکی از عروس و دامادهای‌مان متولد دهه ۷۰ بودند. سه زوج طی چند ماه قبل عقد کرده بودند، اما یکی از زوج‌ها عقد کرده نبودند و قرار شد خطبه عقدشان، در برنامه فلکه اول خوانده شود.

دستوانی که مسئول چینن سفره عقد روی استیج بودند، وقتی به بازار رفتند، متوجه شدند، کرایه همه وسایل عقد اینقدر گران می‌شود که اصلاً تناسبی با بودجه‌مان ندار! پس به غیر از چند مورد از وسایل عقد، باقی باید بقیه آنها را با ابتکار خود می‌ساختند، یا از مردم آمات می‌گرفتند. این بخش سخت‌ترین کار تدارک مراسم بود اما با تلاش بچه‌ها انجام شد. دو نفر از نمازگزاران مسجد، گل فروشی داشتند و خدا می‌داند هر دوشان، چه زحمتی بابت تهیه دسته گل عروس و گل‌آرایی استیج کشیدند. هماهنگی عاقد، کنترل جمعیت و اجرای برنامه با برادران بود و می‌دانستیم که به بهترین شکل از پسش بر خواهند آمد. اما تهیه هدیه عروس و دامادها هم بود که باید با هزینه‌اش را تأمین می‌کردیم، یا از نمازگزاران مسجد میخواستیم که انجام آن را برعهده بگیرند. راه دوم منطقی بود و با کمک اهالی محل و نمازگزاران، هدیه‌ها آماده شد. شب جشن، همه چیز وفق برنامه پیش می‌رفت که به یکباره هوا طوفانی شد؛ باران گرفت و عروس و دامادها ماندند زیر باران! شوخی خانم‌ها گل کرده بود و از زیاد تهدیک خوردن عروس و دامادهای آن شب می‌گفتند و تلاش جراع مغازه‌های محله را روشن نگه داشته بودند کم کنند. البته این همدلی‌های آنان، مؤثر هم بود. وقتی عروس و دامادها به جایگاه دعوت شدند و شاهد گل کشیدن و ذوق کردن مردم می‌شدیم، اصلاً انگار خستگی آن‌همه بدو و حرص خوردن بابت خراب‌شدن بخشی از تزئینات و دیسر کردن عاقد از تن‌مان در رفت. آن شب، خیلی به مردم خوش گذشت. این مردم معوث شده به این شادی‌ها نیاز داشتند. البته دقیقاً در تجمع شبانه عبد‌غدير، یک جشن عقد دیگر هم در فلکه اول برگزار کردیم. این زوج جانفدا، خیلی خوش روزی بودند. زیرلقظی عروس، تربت کربلا و پرچم حرم حضرت‌الفضل(ع) شد. هوا بهاری بود و طوفانی هم نشد. ما هم صاحب تجربه شده بودیم و شکر خدا، آن جشن را خیلی حرفه‌ای‌تر برگزار کردیم.

■ جشن تکلیف دختران جانفدا

یک شب که در غرفه کودک مشغول فعالیت بودیم، مادر یکی از دخترهای دبستانی به طرف مان آمد و گفت چون مدارس به صورت مجازی برگزار می‌شود و در ترم اول هم مدرسه دخترش برای دختران ۹ساله جشن تکلیف نگرفته، از ما خواست که برای این قضیه فکری کنیم. دو شب بعدش نیز یکی از خانم‌های نمازگزار مسجد - که دبیر آموزش‌وپرورش است- تماس گرفت و درباره همین موضوع



فلکه اول تهرانپارس، نمایی از جشن تکلیف دختران جانفدا



صحت کرد و اینکه چه خوب می‌شود در تجمع فلکه اول، برای دختران و پسران به سن تکلیف رسیده، «جشن بندگی» بگیریم. دیگر قضیه برایمان خیلی جدی شد. یک جلسه با برادران بسیج گذاشتیم و موضوع را مطرح کردیم. برادران با برگزاری جشن تکلیف دختران موافق بودند اما می‌گفتند پسران نیاز به مراسم جشن تکلیف ندار‌ندا شخصاً مخالف نظرشان بودم اما از آنجا که برادران مسجد متفق‌القول معتقد بودند پسرها از این مراسم استقبال نخواهند کرد؛ ما هم کوتاه آمدیم و قرار شد فقط برای دختران به سن تکلیف رسیده برنامه بگیریم. اول، ثبت‌نام دختران به سن تکلیف رسیده را شروع کردیم. والدین ۱۳دختر با فرستادن صفحه اول شناسنامه دختران‌شان، کار ثبت‌نام را انجام دادند. زحمت دعوت‌کردن عموروحانی برای اجرای برنامه آن شب با برادران بود. برنامه تزئین و بادکنک‌آرایی استیج و خرید هدیه و تهیه تاج بندگی برای «جشن بندگی دختران جانفدا» با خواهران بسیج بود که شکر خدا به بهترین شکل انجام شد. زحمت تاج بندگی با یکی از نمازگزاران گل فروش محله بود که فوق‌العاده زیبا و مبتکرانه ساختش را برعهده گرفت.

روز جشن بندگی، دختران به سن تکلیف رسیده با چادرهای زیبایشان وارد جایگاه شدند و مراسم تازه شروع شده بود که دوباره طوفان و باران درگرفت! اما نه در چهره دخترها و والدین‌شان آثار ناراحتی بود و نه در چهره مردم. عمسوروحانی هم گاهی بسا زبان طنز و متذکر اهمیت بندگی برای پروردگار متعال می‌کرد. در آن بین البته مسئول امور صوتی با دشواری سعی می‌کرد تا دوباره باران وسایل گران‌قیمتش را خراب نکند و چند نفر از برادران هم، در این کار زجر آرو کم‌ک کارش بودند. جشن، به بهترین شکل و زیر باران به پایان رسید. دخترها تاج بندگی بر سر گذاشتند و بعد از آن ما بودیم و چهره راضی دخترها و والدین‌شان، جالب است که چند شب بعد، مادر یکی از همان دخترها به غرفه کودک آمد و با ذوق تعریف کرد که دخترش تاج بندگی را در یخیال خانه گذاشته و هر روز جلوی آینه آن را روی سرش می‌گذارد و کلی از دیدنش کیف می‌کند.

■ درس و اطفال گریز‌با!

کلاس‌های درس مجازی، صدای پدرومادرها و خود دانش‌آموزان و بیشتر از آنها، صدای معلمان و دبیران را درآورده بود. اینکه سطح کیفی آموزش در کلاس‌های مجازی، بسیار پایین‌تر از کلاس‌های حضوری است، مورد قبول همه بوده و است. اما در شرایط جنگی، چاره‌ای جز برگزاری مجازی کلاس‌ها نبوده و نیست. به همین دلیل دوبار در هفته، یک غرفه به مدارس اطراف میدان واگذار می‌شد، تا کلاس‌های رفع اشکال درسی و حضوری در تجمعات داشته باشند. هر بار دانش‌آموزان دختر و پسر با والدین‌شان در میدان حضور پیدا می‌کردند، عملاً تمام ساعت را به تازہ کردن دیدارها و گپ‌وگفت و بازی و خوردن خوراکی می‌گذراندند! درواقع دانش‌آموزان، یکجورهایی با عدم اقبال به توضیحات معلمان‌شان می‌گفتند: در این فضای هیجان‌انگیز تجمع شبانه، حوصله درس و مدرسه را ندار! دیدن این وضع، ما را به فکر انداخت که طرحی نو دراندازیم!

برای همین با مسئول صالحان و چند نفر از نیروهای دانشجوی مسجد، یک طرح جدید پی‌ریزی کردیم. این هم انجام آزمایش‌های علمی و ملموس در غرفه، برای کشاندن کودکان و نوجوانان به سمت درس و تحصیل بود. یک شب آزمایش کوه آتشفشان و مخمرها را برای بچه‌ها به نمایش می‌گذاشتیم که چند نوع برنده‌اعم از جوچه‌ارک و مرغ‌مینا و... می‌آوردیم و از طریق آنها، به بچه‌ها هم زیست یاد می‌دادیم و هم قدرت خدا را در آفرینش به آنان منتقل می‌کردیم. یک شب فیلم‌های آموزشی درباره پدیده‌های جغرافیایی در غرفه پیش می‌گردیم و در شب‌های متعدد هم با پرده خوانی، دروس مربوط به تاریخ و دین را برایشان توضیح می‌دادیم. حتی با دعوت از کارشناسان آتشنشانی، توانستیم مفاهیم مربوط به ایمنی و فیزیک را عملاً به بچه‌ها یاد بدهیم. واقعیت این است که فهمیده بودیم اطفال گریز‌پای ما از کلاس رفع اشکال درسی خشک و رسمی فراری هستند اما از روش‌های آموزشی جدید و هیجان‌انگیز که در آن مطالب جدید یاد می‌گیرند، استقبال می‌کنند.

■ برده آخر، نمایش آئینی

برای دهه اول محرم‌الحرام امسال از قبل تصمیم گرفته بودیم که غیر از مراسم سنتی روضه‌خوانی و سینمیزی در سه شب تاسوعا، عاشورا و شام غریبان، برای مردم نمایش آئینی داشته باشیم. نمایشی که در سه پرده، شهدای میناب و شهدای مدافع حرم را با شهدای کربلا گره می‌زد. در واقع، نمایش یک روضه‌تصویری و صوتی هنرمندانه بود که با شبویه‌ای جذاب، فلسفه عاشورا و جریان حق را در برابر تفکر باطل و ستمگران عالم از یزید گرفته تا ترامپ تبیین می‌کرد. برای اجرای آن نمایش آئینی، برادران و خواهران مسجد خیلی زحمت کشیدند و خستگی‌اش با اقبال زیاد مردم به آن تن‌مان بیرون رفت.

این جهاد همچنان ادامه دار...